

دکتر پیمان سلامتی ■  
متخصص پزشکی اجتماعی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

## پای مالنگ است و منزل بس دراز

«همان طور که نوشتن پایان نامه امری الزامی برای فارغ التحصیل شدن است، نوشتن مقدمه برای پایان نامه نیز امری اجباری از نظر قوانین دانشکده است و من به اجبار باید از آن تبعیت کنم بدون اینکه نفعی آن چنان که باید از نوشتن مقاله یا حتی خود متن پایان نامه حاصل اینجانب یا دیگران که احتمالاً بعداً این پایان نامه را می خوانند، شود... انتقاد بزرگ تر من به روشی است که هم اکنون دانشکده پزشکی آن را در دست اجرا دارد. حداکثر فایده این روش پرورش کارگران علم است، نه مبتکران علم. مقصودم از کارگر علم، دانشجویان و استادانی هستند که حداکثر محفوظات شان نوشتجات انگلیسی و فرانسه است و بیش از آن چیزی در چنته ندارند. شاید صلاح نباشد که بیش از این روی کاغذ آورده شود. امید است همین مختصر به نظر افراد مسوول و مجریان امور در دانشکده پزشکی برسد.»

پایان نامه شهید دکتر مرتضی لبافی نژاد

شهریور ۱۳۴۸

سال گذشته آیین نامه جدید ارتقای اعضای هیات علمی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور به تمامی دانشگاه ها ابلاغ و از اول دی ماه ۱۳۸۷ لازم الاجرا شد. گرچه این آیین نامه دارای نکات ارزشمندی است، اما شرطی به آیین نامه قبلی اضافه شده است که طی ۱۴ ماه گذشته فرآیند ارتقای مرتبه اکثریت قریب به اتفاق واجدین شرایط را متوقف کرده و موجب نگرانی سایر اساتید دانشگاه های علوم پزشکی کشور شده است.

دندب از ماده ۵-۶ آیین نامه بیان می‌دارد:

«کسب حداقل سه امتیاز از بند ۶-۱ (دانش پژوهی آموزشی) برای ارتقای مرتبه در تمامی مراتب هیات علمی آموزشی (استادیاری-دانشیاری-استادی) و حداقل یک و نیم امتیاز از بند ۶-۱ برای ارتقای مرتبه در تمامی مراتب هیات علمی پژوهشی الزامی است.»

هانسن و رابرتز در سال ۱۹۹۲ دانش پژوهی را فعالیت‌هایی دانستند که در آنها دانشمند با استفاده از توانمندی‌های ذهنی خود، عرصه‌های دانش را به صورت خلاقانه، آگاهانه و منظم به پیش می‌برد و یا آن را دچار دگرگونی و تغییر می‌نماید.<sup>(۱)</sup> ارنست بویر در کتاب خود با عنوان «بازنگری مفهوم دانش پژوهی: اولویت‌های جامعه هیات علمی» برای اولین بار دانش پژوهی را به چهار بخش تقسیم کرد:

۱ دانش پژوهی در عرصه اکتشاف یا همان تحقیقات اصیل با هدف دست‌یابی به درک بهتری از دنیا.

۲ دانش پژوهی ادغام که در آن دانش پژوه درصدد جستجوی ارتباط بین پژوهش‌های صورت گرفته در درون یک رشته یا حتی بین رشته‌های مختلف برمی‌آید.

۳ دانش پژوهی کاربرد در آن دانش پژوه درصدد ساختن پل‌های ارتباطی بین دانش به دست آمده و عرصه‌های عملی است.

۴ دانش پژوهی آموزشی که در آن دانش پژوه منابع تازه‌ای را در اختیار جامعه آموزشی قرار می‌دهد و با این کار به پیشبرد دانش در عرصه آموزش کمک می‌کند.<sup>(۲)</sup>

بویر معتقد است این رویکرد به مفهوم دانش پژوهی نباید به این معنی تلقی شود که عضو هیات علمی باید صرفاً روی یکی از این حوزه‌ها تمرکز کند و در سایر عرصه‌های دانش پژوهی وارد نشود. از سوی دیگر، این مفهوم که عضو هیات علمی باید در تمامی این حوزه‌ها، فعالیت دانش پژوهی داشته باشد نیز صحیح نیست.<sup>(۳)</sup>

اگر طبقه‌بندی بویر را بپذیریم تا پیش از این هیچ کلام از انواع دانش پژوهی شرطی جهت ارتقای مرتبه اعضای هیات علمی نبوده‌اند. حتی ارایه مقاله تحقیقی اصیل که نماد دانش پژوهی در عرصه اکتشاف محسوب می‌شود به همراه فهرستی از سایر فعالیت‌های پژوهشی (تالیف کتاب، ترجمه کتاب، اختراع و اکتشاف، مقاله مروری و...) بین سیزده تا بیست و پنج امتیاز جهت اعضای هیات علمی آموزشی و بین چهل تا پنجاه و پنج امتیاز جهت اعضای هیات علمی پژوهشی شرطی برای ارتقای مرتبه هستند و در آیین نامه ارتقا چه جدید و چه قدیم نامی و امتیازی

برای دانش پژوهی ادغام و دانش پژوهی کاربرد در نظر گرفته نشده است. به راستی کدام یک مهم‌ترند؟

در حوزه سلامت دانش پژوهی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱ دانش پژوهی جهت حل مشکلات جهانی سلامت.

۲ دانش پژوهی در جهت تولید دانش بومی به منظور حل مشکلات مشترک جهانی در سطح بومی.

۳ دانش پژوهی در جهت تولید دانش بومی برای حل مشکلات بومی.

اگر مصفاهه قضاوت کنیم در بخش اول تاکنون حرکت قابل قبولی ارایه شده است. براساس تازه‌ترین نتایج علم‌سنجی در گروه پزشکی و سایر بخش‌های علمی که در ابتدای سال ۲۰۱۰ منتشر شده است، در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ جمهوری اسلامی ایران بر مبنای تعداد مقالات در پایگاه اطلاعاتی ISI در رتبه ۲۵ دنیا قرار دارد. اما سوالی که در اینجا مطرح است آن است که این تولید علم تا چه اندازه در جهت حل مشکلات کشور بوده است؟ محققان در کشور ما عمدتاً به دنبال چاپ مقالات خود در مجلات معتبر خارجی با شاخص‌های تاثیرگذاری (Impact Factor) بالا هستند، در حالی که ممکن است ژورنال‌های بین‌المللی که به دنبال رفع مشکلات کشورهای توسعه‌یافته هستند به مشکلات بومی ما خیلی علاقه‌مند نباشند. به عبارت دیگر دانش پژوهان ما در حال حاضر گرایش بیشتری به عناوین پژوهشی و مجلاتی دارند که به چالش‌های بومی ما کمتر توجه دارند و این همان حلقه مفقوده‌ای است که بویر آن را دانش پژوهی کاربرد می‌نامد. از سوی دیگر پژوهش‌ها در کشور ما فاقد نگاه سیستمیک هستند. به عبارت دیگر هر پژوهشگر قسمتی از مساله را بررسی می‌کند و وقتی این نتایج را در کنار هم قرار می‌دهیم، مساله اصلی در بسیاری از موارد بی‌پاسخ می‌ماند و این نیز حلقه مفقوده‌ای است که بویر آن را دانش پژوهی ادغام می‌نامد.

آیین‌نامه جدید فعالیت‌های دانش پژوهی آموزشی را در شش بخش زیر بیان می‌دارد:

- ۱ ارایه و پیاده‌سازی طرح دوره،
- ۲ بازنگری و پیاده‌سازی طرح دوره،
- ۳ طراحی و پیاده‌سازی برنامه آموزشی رشته تحصیلی
- ۴ بازنگری و پیاده‌سازی برنامه آموزشی رشته تحصیلی
- ۵ پیاده‌سازی روش‌های نوین آموزشی،

۶ طراحی و پیاده‌سازی روش‌های نوین ارزیابی فراگیران، اعضای هیات علمی و دوره‌های آموزشی.

می‌دانیم که حوزه‌های مختلف فعالیت‌های آموزشی یک عضو هیات علمی را می‌توان در پنج بخش زیر تقسیم کرد:

- ۱ تدریس،
- ۲ برنامه‌ریزی آموزشی،
- ۳ راهنمایی و مشاوره،
- ۴ مدیریت آموزشی،
- ۵ ارزیابی فراگیران.

به این ترتیب همان‌گونه که مشهود است طبق آیین‌نامه جدید، دانش پژوهی آموزشی فقط به برخی از حوزه‌های فعالیت‌های آموزشی توجه دارد و سایر حوزه‌ها فراموش شده‌اند.

«موارد آیسه ریه در بیماران بستری در بیمارستان بهرامی»

این عنوان پایان‌نامه دکتر لبافی‌نژاد بود. به راستی در این ۴۰ سال گذشته در امر ارتقای پایان‌نامه‌ها چه قدر توفیق داشته‌ایم؟ آیا در حال حاضر عمده پایان‌نامه‌های دانشجویان ما در مقطع پزشکی عمومی و برخی از پایان‌نامه‌های دوره‌های تخصصی ما چیزی فراتر از بررسی مواردی همچون پایان‌نامه فوق‌الذکر هستند؟ به خوبی می‌دانیم که بررسی موارد در رتبه‌بندی انواع مطالعات جزو نازل‌ترین مطالعات هستند. در دوره دانشجویی همیشه به ما می‌گفتند مقطع دکترا مرحله اجتهاد است و پایان‌نامه رساله اجتهادی دانشجوی این دوره محسوب می‌شود؛ لذا انجام آن نیز بر پژوهش اصیل باید استوار باشد. در حال حاضر سالیانه چند هزار دانش‌آموخته در رشته پزشکی و جمع کثیری نیز در سایر رشته‌های علوم پزشکی فارغ‌التحصیل می‌شوند و فارغ‌التحصیلی عمده آنها منوط به ارایه پایان‌نامه است. در اکثریت این موارد پایان‌نامه به عنوان یک تکلیف دانشگاهی یا یک مشق شب آخر دانشجو است که از موضوعات ساده، بی‌محتوا و تکراری تا تقلب و رونویسی در آن یافت می‌شود. دانشجویان پزشکی با جمع‌آوری اطلاعات موجود در پرونده‌های ناقص بیماران و ارایه آنها به صورت خام و بدون تجزیه و تحلیل مناسب آماری توان، زمان و پول خود را در جهتی هزینه می‌کنند که عمده آن فاقد ارزش علمی و کاربردی است. حقیقتاً آیا پایان‌نامه‌های موجود مشکلی از نظام سلامت ما را حل می‌نمایند؟ متأسفانه باید اذعان داشت در حال حاضر خوانندگان پایان‌نامه‌ها بیشتر نگارندگان آنها هستند، این در حالی است که پایان‌نامه‌ها می‌توانند بخش قابل توجهی از بار دانش پژوهی کشور را بر دوش کشند و اصولاً در کشورهای پیشرفته تلاش می‌شود تا از

توان تحقیقاتی ارتزان و مفید دانشجویان به طور موثر استفاده شود و تحقیقات دانشگاهی که بر این اساس انجام می‌گیرد سهم قابل توجهی از کل پژوهش‌های یک کشور را دارا هستند.

اخیراً که جهت شرکت در جلسه دفاع پایان‌نامه ۲ نفر از دانشجویانم حضور یافته بودم با نکته جالبی مواجه شدم. به علت ضیق وقت داروان، حداکثر ۳۰ دقیقه جهت بررسی دو پایان‌نامه در نظر گرفته شد. بالخصوص به عنوان استاد راهنمایی که دانشجویانم در هر کلام از پایان‌نامه‌ها فرضیات متعدد ارزشمندی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بودند، از این ناراحت بودم که حتی حضار جلسه نیز محتوای پایان‌نامه‌ها را به درستی درک نکردند. در این وضعیت از دانشجویان‌مان چه انتظاری داریم؟ نکته جالب دیگر آنکه جلسه دفاع فقط یک نفر مهمان داشت که پس از جلسه دفاع فهمیدم که آن یکی هم خواهر یکی از دانشجویان بوده است که چند ترم پایین‌تر در دانشکده خود مشغول به تحصیل است.

دانش پژوهی که آیین‌نامه ارتقا به دنبال آن است فقط بخش کوچکی از دانش پژوهی است. به نظر می‌رسد به صورت شتابزده به دانش پژوهی آموزشی توجه ویژه شده، در حالی که دانش پژوهی‌های ادغام و کاربرد که اگر از دانش پژوهی آموزشی مهم‌تر نباشند کمتر نیستند، مغفول واقع شده‌اند. از سوی دیگر، فعالیت‌هایی که در آیین‌نامه جدید به عنوان دانش پژوهی آموزشی در نظر گرفته شده‌اند کامل نیستند و برخی از حوزه‌های آموزشی به بوته فراموشی سپرده شده‌اند. به نظر اینجانب، در شرایط فعلی ناب‌ترین فعالیت دانش پژوهی آموزشی راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌هاست. همان‌چیزی که شهید لبافی‌نژاد در مقدمه پایان‌نامه خود به فراست آن را بیان کرده و آیین‌نامه به آن اشاره‌ای ندارد.

پایان‌نامه‌ها رسیدگی عاجل را می‌طلبند به قول

حافظ:

«پای ما لنگ است و منزل بس دراز

دست ما کوتاه و خرما بر نخیل»

منابع:

1) Hansen PA, Roberts KB. Putting teaching back at the center. Teach Learn Med 1992; 4: 136-9.

2) Boyer EL. Scholarship reconsidered: Priorities of the professoriate: 1st ed. The Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching. 1990.

۳) جلیلی، میرزا زاده، ع. جعفریان، ع. بسط مفهوم دانش پژوهی: دانش پژوهی آموزشی و کاربرد آن در ایران. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. تابستان ۱۳۸۸: ۹: ۱۶۷-۱۷۹.